

بررسی نقشمایه گل لوتوس در هنر مصر. ایران و هند

محمد کاظم حسنونند^۱، سعیده شمیم^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۱

تاریخ تصویب: ۹۳/۳/۲۰

چکیده

این مقاله ویژگی‌های نقشمایه گل لوتوس، جنبه تقدس آن در تمدن‌های ایران، هند و مصر، سیر تحول لوتوس در سه تمدن نامبرده و اسطوره‌های این سه تمدن را بررسی کرده است که نماد نیلوفرین دارند. در هر تمدن، این گل ویژگی خاص اسطوره‌ها و ایزدانی است که به گونه‌ای در تصویرها به صورت لوتوس متجلی شده‌اند.

لوتوس نمادی از ایزدانی چون اهورامزدا، آناهیتا و مهر در تمدن ایران؛ لاکشمی، ویشنو، برهما و بودا در تمدن هند و رع، هوروس، نفرتوم و آزیریس در تمدن مصر باستان است. زندگی در آب و حالت خاصی که در رویدن این گل وجود دارد، همچنین وجود ایزدانی در کنار لوتوس که قابل ستایش افراد بوده‌اند، به گونه‌ای سبب تقدس این گل شده است. روش انجام این تحقیق از طریق روش‌های توصیفی، تاریخی و در مواردی مقایسه‌ای صورت گرفته است. روش گردآوری اطلاعات نیز از طریق روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر مراجع و منابع مکتوب و موجود انجام گرفته است.

به نظر می‌رسد، این گل از مصر به ایران و آن‌گاه به هند رفته و به مرور حالت بومی به خود گرفته است. با توجه به بررسی‌های انجام شده، می‌توان لوتوس را نماد نجابت، رشد معنوی، کمال و چرخه تولد و رشد انسان نامید.

کلیدواژه‌ها: لوتوس، هنر، مصر، هند، ایران، بوداگرایی.

مقدمه

می‌رفته‌اند.

حیات طولانی و پررمز و راز گل لوتوس و تقدس آن نزد تمام ملل و اقوام شرق و غرب و اعتلای آن در بین اقوام مختلف ما را بر آن می‌دارد تا به دنبال تقدس و رد پای آن در هنرهای ملل مختلف رهسپار شویم. نیلوفر به معنای شکفتن معنوی است. این گل در مصر نماد باروری و علامت مشخصه نیل علیا بود. در فرهنگ سومری و

در جهان اعتقادی انسان، گل و گیاه نمادی از تولد، رشد، تکامل و به طور کلی زندگی دانسته شده و هم جلوه‌هایی قدسی یافته است. درباره گل‌ها، اساطیر هریک از ملت‌ها داستان‌های مختلفی دارند که علاقه و عشق آن‌ها را نسبت به گل‌ها به خوبی نشان می‌دهد. گل‌ها از زمان‌های قدیم مظهر احساس‌ها، عواطف و غریزه‌های بشری به‌شمار

۱- دانشیار گروه نقاشی، دانشگاه تربیت مدرس mkh@modares.ac.ir

۲- کارشناس ارشد نقاشی saeide.shamim@gmail.com

سامی در کنار ایزدان دیده می‌شود. در فرهنگ هندو نماد خودزایی، نامیرایی و نوزایی ازلی و سلامتی است.

نیلوفر یک نشان تاریخی است و برای آریایی‌های باستانی، مظهر پیدایش مینویی و جاودانگی بود؛ زیرا این گل تنها آفریده‌ای بود که در مرداب‌های خاموش و بی‌جنب‌وجوش پدید می‌آمد. نیلوفر آبی با برآمدن آفتاب باز و با فرورفتن آن بسته می‌شود و بدین انگیزه مظهر خورشید است و با میترا همبستگی دارد. هخامنشیان که به میترا دلبستگی فراوانی داشتند از شاخه، گل و برگ نیلوفر که نماد میترا بود، در آرایش ساختمان‌های تخت جمشید سود بسیار برده‌اند.

در جای‌جای آثار تاریخی ایران و بسیاری تمدن‌های دیگر این نقش خود را آشکار می‌کند و نشانگر اهمیت و تقدس این گل است. این مقاله به اسطوره و مفاهیم آن و اسطوره‌هایی اشاره دارد که نمادشان نیلوفر آبی است. سپس گل نیلوفر آبی در تمدن‌های ایران، هند و مصر به‌طور جداگانه از نظر ایزدانی که با نیلوفر در ارتباط‌اند، همین‌طور از لحاظ معماری، نقش برجسته و نقاشی‌هایی که به‌گونه‌ای از نیلوفر در آن‌ها استفاده شده، مورد تحقیق و بررسی واقع شده و در نهایت به‌صورت تطبیقی در جدول‌ها به نمایش گذاشته خواهند شد.

تعریف واژه‌ها اسطوره

بشر اولیه برای غلبه بر مشکلات به نیروهای فراطبیعی متوسل می‌شد و با تخیلاتش به این نیروها قوت می‌بخشید تا به نابسامانی‌ها فایق آید. اعتقادهای دینی انسان نخستین با اسطوره آغاز می‌شود. «اسطوره در لغت با واژهٔ Historia به معنی روایت و تاریخ هم‌ریشه است. میتوس در یونانی به معنی قول و گفتار و در واژهٔ اوستایی «میت» به معنی رمز و نشانه است» (مقدم، ۱۳۵۲: ۸۳).

اسطوره اصطلاحی کلی است و دربرگیرندهٔ باورهای مقدس انسان در مرحله‌ای خاص از تطورات اجتماعی که در عصر جوامع به اصطلاح ابتدایی شکل می‌گیرد و

باورداشت مقدس همگان می‌شود. اسطوره داستانی است که بیان‌کنندهٔ منشأ پدیده‌های طبیعت، همچنین آیین‌ها و عقاید موروثی به نحوی ساده و عامه‌پسند است. «این واژه برآمده از سطر به معنی نوشته است (کزازی، ۱۳۷۲: ۲).

اسطوره‌شناسی دانشی است که روابط میان افسانه‌ها و جایگاه آن‌ها در دنیای امروزی را بررسی می‌کند. اسطوره بیش از آنکه هر چیز دیگری باشد، داستان است و جاذبه‌ای که اسطوره برای زندگی انسان امروزی دارد، نشان‌دهندهٔ میل درونی انسان به شنیدن داستان است. ولی این سادگی فریبنده است؛ زیرا اسطوره در باطن خود متضمن چگونگی و چستی به وجود آمدن پدیده‌ها و حتی خلقت جهان است و اینکه پس از خلقت بدان‌ها چه گذشته است.

«میت افسانه نیست؛ بلکه تاریخ است. یک تاریخ دروغین و داستانی واقعی که به علت محتوای خود حکایت از وقایع حقیقی می‌کند» (شایگان، ۱۳۷۱: ۱۰۵). با گذشت قرون، اساطیر هند و ایرانی شکل واقعی‌تری به خود می‌گیرند و کم‌کم جزو موجودات واقعی زندگی روزمرهٔ انسان می‌شوند.

«در مصر نیز اسطوره‌های گیاهی و حیوانی کارکردی نمادین به خود می‌گیرند؛ مثلاً انگور اسطوره‌ای گیاهی است که نماد الهام‌بخشی بوده و از نمادهای حیوانی می‌توان از شیر به عنوان نماد نیرو و عقاب به عنوان نماد جاودانگی نام برد» (تلخیص از: اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۷۱).

اسطوره در فرهنگ‌های سنتی هنوز زنده است و انسان برای اسطوره‌سازی باید قوهٔ تخیل داشته باشد. می‌توان گفت قصه‌ای است دربارهٔ خدایان و موجودات فوق طبیعی که ریشهٔ اصلی آن‌ها، اعتقادهای دینی مردم قدیم است و خاستگاه و آغاز زندگی و معتقدات مذهبی و قدرت‌های مافوق طبیعی و اعمال قهرمان‌های آرمانی را بیان می‌کند.

نماد

انسان برای انتقال چیزی که در ذهن خود دارد از گفتار یا نوشتار و یا همانندی‌هایی مانند آن بهره می‌برد. پس

می‌توان گفت یک کلمه هنگامی نمادین می‌شود که چیزی، علاوه بر معنی آشکار و ظاهری خویش داشته باشد. کارل گوستاو یونگ دربارهٔ نماد می‌گوید: «واژه یا تصویر در صورتی نماد است که متضمن چیزی در ماورای معنای آشکار و مستقیم خود باشد. سمبل بار معنای را به‌دوش می‌کشد و در کوتاه‌ترین موقعیت زمانی و در مکان‌های مختلف آن را تحویل ذهن انسان می‌دهد» (هونه‌گر، ۱۳۶۶: ۱۳).

سمبول به چیزی فراتر از معنی واقعی خود اشاره می‌کند. بنابراین نمادها باید بتوانند حالت جاودانگی و همیشگی داشته باشند؛ یعنی وقتی که تکرار می‌شوند، ارزشمند باشند و همواره توجه انسان را به‌گونه‌ای جلب کنند که متوجه یک مفهوم ضمنی بشود.

«سمبول‌های جهانی آن‌هایی هستند که ذاتاً با پدیده مورد اشارهٔ خود رابطه دارند و با آنچه جانشین شده‌اند، رابطه‌ای ذاتی و درونی برقرار می‌کنند. سمبول‌های جهانی به افراد یا گروه خاصی محدود نیستند؛ چون ریشه در خواص جسم، حواس و ذهن ما دارند که مشترک بین همهٔ افراد است» (ستاری، ۱۳۷۴: ۲۲).

انسان با تمایلی که به سمبل‌سازی دارد، اشیا و اشکال را به سمبول‌ها تبدیل می‌کند و آن‌ها را هم در مذهب و هم هنر بصری خود بیان می‌کند. «رمزهایی از گیاهان اقتباس شده‌اند؛ اما گلی که رمزی گسترده دارد لوتوس است» (همان، ۲۴).

رمزی چنین گسترده (لوتوس) این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که چه مفهومی در آن نهفته و به چه چیزی اشاره کرده است که در روزگار قدیم هیچ ملت و قومی از آن بی‌خبر و برکنار نبوده و به‌صورت‌های مختلف، گاهی در معماری و حجاری، نقاشی و گاهی در شعر و ادب و در آخر در مراسم دینی و کتب مقدس با آن سروکار پیدا کرده است.

در این مقاله بحث دربارهٔ اسطوره‌هایی است که نمادشان نیلوفر است. از اسطوره‌های ایرانی که نماد نیلوفرین دارند، آن‌اهیتا و میترا را می‌توان نام برد. از

اسطوره‌های هندی، ویشنو، لاکشمی، برهما و بودا و ایزدان مصری که با نیلوفر در ارتباطند به آزیبریس، رع، هوروس و نفرتوم می‌توان اشاره کرد.

لوتوس

لوتوس گلی بسیار چشم‌نواز و نادر است و در محیط آبی رشد می‌کند، به‌صورتی که ریشهٔ آن در گل‌ولای عمق آب و گل آن از طریق ساقهٔ روندهٔ آن به‌طرف نور آفتاب رشد می‌کند تا برگ‌های پهن آن همراه شکوفه روی سطح آب زندگی کنند. «لوتوس به‌معنای گل نیلوفر آبی است و به آن «گل آزاد» نیز گفته می‌شود و در نواحی مردابی و آب‌های راکد می‌روید» (حیدری افشار و نسرين و نسترن حکمی، ۱۳۸۱، ۱۲۸۸).

لوتوس همان نیلوفر آبی است که با شراره‌های خورشید سر از آب برآورده و هایش را باز می‌کند و هنگام غروب آفتاب خود را چون گوهری در صدف پنهان کرده و دوباره به آب بازمی‌گردد. این گل نشانهٔ آفرینش است. «دارای برگ‌های قلبی‌شکل بزرگی است. درازی دمبرگ طویل است و برگ‌ها در سطح آب شناورند. این گیاه را غالباً به‌عنوان یک گیاه زینتی در استخرهای حوضچه‌ها می‌کارند» (دهخدا، ۱۳۷۵: ۱۰۴۲).

لوتوس نماد مذهب است، چون نماد پاکی و تهذیب نفس است. پرورش این گل هم در محیط طبیعی مانند برکه‌ها و مرداب‌ها و هم در محیط مصنوعی مانند استخرها و آکواریوم‌ها رایج است.

لوتوس در تمدن مصر

لوتوس در مصر، سمبل تولد دوباره و خورشید و مقام سلطنت و علامت مشخصهٔ نیل علیا بود. لوتوس در هنر و زندگی مردم مصر با رود نیل همراه است و همیشه با هم نام برده می‌شدند. چون هر دو نمادی از باروری، زندگی و حیات دوباره بودند و مقدس شمرده می‌شدند. «لوتوس همه‌جا بود، هم به‌عنوان علامت مصر علیا و هم به‌عنوان نماد تجدید حیات. با فتح مصر، هخامنشیان به دریایی از

علامت‌ها و نمادهای گوناگون دست یافتند که می‌توانستند در نقشینه خود به کار گیرند. بعضی نمادهای مصری به نقش‌های تزئینی بین‌النهرین راه یافتند و از آن طریق به ایران آمدند؛ برای مثال لوتوس را به‌عنوان نماد قدرت، ابتدا در دست آشور بانیپال می‌یابیم و بعد به همان کیفیت در دست داریوش اول در تخت جمشید» (سودآور، ۱۳۸۴: ۱۰۰). در مصر باستان، خدایان زیادی را می‌پرستیدند که با مراجعه به جدول ۴ در یک نگاه می‌توان خدایان، سمبول‌ها و فرقه‌های مربوطه را مشاهده کرد.

«رع» از مهم‌ترین خدایان مصریان بوده است. «رع (خدای خورشید) که به‌معنای آفریننده است و خدای اصلی و بزرگ مصریان است و بر طبق داستان‌های اساطیری رع از درون گل لوتوس به دنیا آمده است» (تلخیص از: ویو، ۱۳۷۵: ۶۵). رع یکی از خدایان مهم در تمدن مصر بوده است و ارتباط نزدیکی با لوتوس داشته است. نزدیکی خدایان با لوتوس قداست این گل را هویدا می‌کند. «در تصاویر، رع در حالی که لوتوسی در دست دارد و آن را بو می‌کشد، نشان داده شده است» (بلخاری قهی، ۱۳۸۸: ۱۱۳). همان‌طور که اشاره شد، رع با لوتوس در ارتباط است. لوتوس در ضمیر ناخودآگاه انسان ریشه‌ای عمیق دارد و درون خود، دنیای خدایان و انسان‌ها را احاطه کرده و با منشأ زندگی و تخیل آدمی آمیخته است؛ بدین معنی که مبین رشته‌های جادویی و روحانی است که نخستین آدمیان را به جهان می‌پیوند.

آزیریس از خدایان اسرارآمیزی است که در جهان زیرین حکومت می‌کرد. «او خدای باستان مصریان بوده و در تصاویر تاجی از شکوفه‌های لوتوس بر سر داشته و به او خدای زیرزمینی نیز گفته می‌شود» (وارنر، ۱۳۷۸: ۳۰). او به سبب ارتباطش با راز و رمزهای بنیادین مرگ و زندگی پس از آن یکی از مهم‌ترین خدایان مصر به‌شمار می‌آمد. «مصریان باستان او را با فرعون محتضر یکی می‌انگاشتند» (همان، ۱۷۳). پسر او «هوروس» نام داشت که با گذشت زمان مشهورتر شد و در مقام خدای بزرگ مصر شناخته شد.

هوروس خدای خدای قدرتمند مصر علیا بوده است. «به او خدای آفتاب و آسمان گفته می‌شود. در تصاویر، او نشسته بر گل لوتوس دیده می‌شود و در مقام ایزد سکوت انگشت بر لب داشته است» (ذکاء، ۱۳۵۱: ۱۳). در افسانه‌های مصری آمده که پرستندگان هر روز صبح درحالی که گل لوتوس در دست داشتند، برای ادای احترام به خدای آفتاب می‌رفتند و به او درود می‌فرستادند. «مصریان باستان هوروس را با فرعون زنده یکی می‌پنداشتند و او را به‌شکل شاهین یا قوش اصیل که اشاره‌ای است به حوزه اقتدار او به‌عنوان خدای آسمان به تصویر می‌کشیدند» (وارنر، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

خدایان در زندگی مردمان مصر باستان اهمیت خاصی دارند حتی برخی از آن‌ها را مسئول اداره زندگی مردمان دانسته و سعادت زندگی را در گرو رضایت آن‌ها از خود می‌دانستند.

نفرتوم نیز «از خدایان مصر است و در لغت به‌معنی نیلوفر آبی می‌باشد و طبق اسطوره‌ها از لوتوس زاده شده است» (بلخاری قهی، ۱۳۸۸: ۱۱۱). اسطوره‌هایی از این قبیل که به‌نحوی با لوتوس در ارتباط بودند و یا نامشان با لوتوس یکی است، قداست و اهمیت این گل پر رمز و راز را به اثبات می‌رسانند. «در اساطیر مصری لوتوس معرف زمین تازه آفریده شده است که به‌شکل لوتوس بر آب شناور است و اسرار نهانی ایزدان را با حرمت نگه می‌دارد» (وارنر، ۱۳۸۷: ۵۷۵). در هنر مصر، های این گل در حال شکفتگی یک خدای آفریننده را نشان می‌دهد و به‌دلیل اینکه در سپیده‌دم باز و هنگام غروب بسته می‌شود، به خورشید شباهت دارد که منبع الهی حیات است. از میان پیکره‌هایی که نماد لوتوس در آن‌ها هویداست، از پیکره خفرع می‌توان نام برد (تصویر ۱). «در این پیکره که از سنگ دیوریت ساخته شده، وی بر اورنگی نشسته که نقش درهم‌بافته پایروس (نشانگر مصر سفلی) و لوتوس (نشانگر مصر علیا) وجود دارد» (گاردنر، ۱۳۸۹: ۱۰۳). نماد لوتوس بر این پیکره که از مهم‌ترین آثار باقیمانده

در کنار هم قرار گرفتن پایروس و لوتوس می تواند نمادی از مصر متحد باشد.

لوتوس در معماری مصر

با اطمینان می توان گفت که پیشرفته ترین هنر معماری در جهان باستان، متعلق به مصر است. آثار به جای مانده از معماران مصر باستان نه تنها در نوع خود بی نظیر است؛ بلکه جهانیان و به ویژه هنرشناسان را به شگفتی وا داشته است. «در دوران پادشاهی جدید در مصر، معابد جایگاهی همچون هرم های دوران پیش از آن ها می یابند. در این معابد ستون هایی وجود دارد و دو شکل مهم ستون های مصری عبارتند از: ستون هایی که بر اساس شکل گل لوتوس و پایروس درست شده اند و سرستون آن ها نیز علاوه بر شکل این دو گل بر اساس گیاه نخل شکل یافته است. به بیان دیگر، گیاهان دره نیل، مایه های اصلی تزئین در سراسر هنر مصر بوده اند»

(<http://tarikhema.ir/ancient/iran/achaemenid>).
گل پایروس بیشتر در شمال مصر و لوتوس در باتلاق های جنوب مصر می روید و چون مصریان باستان این گل ها را نمادی از سرزمین شمالی و جنوبی قلمداد



تصویر ۱: پیکره نشسته خفرع

مصری و یادبودی از پسر رع است، نشانگر اهمیت لوتوس است.

«در تصویر ۲ جام طلایی با تزئین نقش پایروس و لوتوس دیده می شود. این جام در موزه قاهره نگهداری شده و قدمت آن ۳۰۰۰ ساله است» (محمدپناه، ۱۳۸۴: ۱۴۰) در این جام، لوتوس با ۲۴ گلبرگ خودنمایی کرده و



تصویر ۳: سینه ریز جواهرنشان (اسرار تمدن مصر باستان، ۱۴۰)



تصویر ۲: جام طلایی (اسرار تمدن مصر باستان، محمدپناه، ۱۰۳)

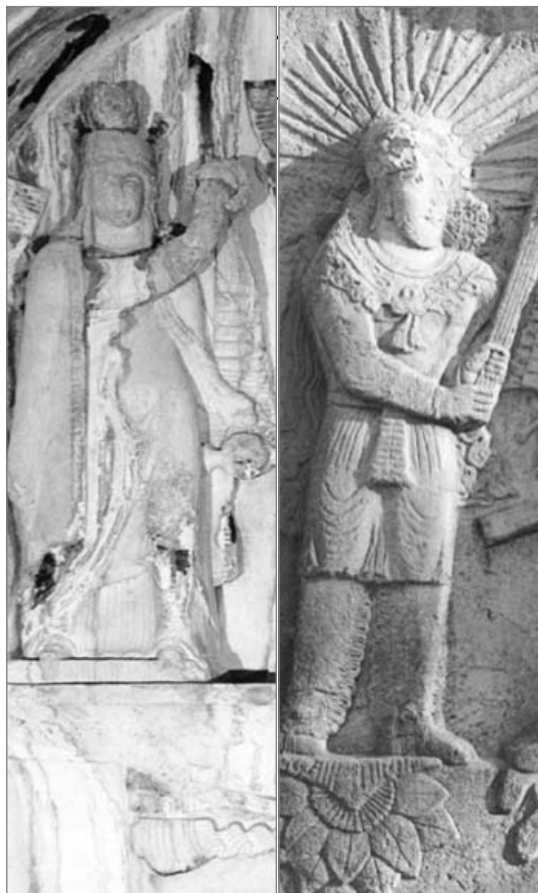
در ایران نماد نور است و از مکانتی رفیع برخوردار بوده است و ایرانیان باستان جشنی به همین نام داشته‌اند» (همان، ۷۸).

با توجه به جدول ۴ در اسطوره‌های ایرانی می‌توان از آن‌ها (ایزد آب‌های روان) و میترا (خدای روشنائی) نام برد که نماد آن‌ها لوتوس است. «بنا بر اعتقادات اساطیری، مهر را رب‌النوع خورشید می‌دانستند و نیلوفر با آیین مهر، پیوندی نزدیک دارد. بعضی از پژوهشگران معتقدند در صحنه زایش مهر، آن چیز که مانند میوه کاج است و مهر از آن بیرون می‌آید، غنچه نیلوفر است نه صخره» (یا حقی، ۱۳۸۶: ۴۲). ارتباط نزدیک ایزدانی چون میترا و آن‌ها که در ایران باستان اهمیت خاصی دارند، نشانه اهمیت این گل است.

«در سنگ‌نگاره شاپور دوم در طاق بستان (تصویر ۲) مهر را می‌بینیم که بر لوتوس بزرگی ایستاده است. از آنجایی که نوع بسیار بزرگی از لوتوس در هندوستان می‌روید که نامش ویکتوریا رگیا بوده و گویند که می‌تواند وزن یک بچه یا انسانی کم‌وزن را تحمل کند، پس در این سنگ‌نگاره طاق بستان، مهر که بر ویکتوریا رگیا ایستاده است. بخش‌اینده فر پادشاهی نیز می‌باشد» (تلخیص از: سودآور، ۱۳۸۴: ۷۴).

آن‌ها نام ایزدبانوی آب و باران و باروری در مذهب ایران باستان است که در تصویرها با کوزه آبی که بر شانه دارد، نشان داده شده است (تصویر ۴). «آن‌ها ایزدبانوی همه آب‌های روی زمین و سرچشمه اقیانوس کیهانی است. او بر گردونه‌ای سوار است که چهار اسب سفید آن را می‌کشند. باد و باران و ابر و تگرگ. وی سرچشمه زندگی، پاک‌کننده تخمه همه نرها و زهدان همه ماده‌ها و تصفیه‌کننده شیر در سینه همه مادران است» (دوستخواه، ۱۳۷۶: ۳۹۷).

آن‌ها اسطوره‌ای جهان‌شمول است؛ چون با آب در ارتباط است. نمادهای او گل لوتوس، ماهی، سبوی آب و... هستند. «معنای نام او رود قوی پاک، آب توانای بی‌آسایش است» (یا حقی، ۱۳۸۶: ۴۱۶). نام این خدا



تصویر ۴: سمت راست: پیکره ایزد مهر روی گل نیلوفر در طاق بستان (طاق بستان، یوسف مرادی، ۱۹) سمت چپ: پیکره آن‌ها در طاق بستان (طاق بستان، یوسف مرادی، ۷)

می‌کردند.

«در معبد آمون رع (۱۳۰۰ ق.م) نیز به تالار ستون‌دار کرنک برمی‌خوریم که سرستون‌های آن غنچه‌ای یا کاسه‌ای (زنگوله‌ای) است» (بلخاری قهسی، ۱۳۸۸: ۲۴). این معبد نیز یکی از مهم‌ترین معابد هند است که چون در سرزمین جنوبی مصر واقع شده، پس می‌توان لوتوس‌های زنگوله‌ای را در سرستون‌ها و ستون‌هایش مشاهده کرد.

لوتوس در تمدن ایران

لوتوس در تمدن ایران یک نشان تاریخی است و همواره مورد توجه هنرپردازان اقوام آریایی بوده است. «لوتوس

نخستین بار به صورت آناهیتا در کتیبه‌های هخامنشی دیده شده است؛ بنابراین لوتوس را گل آناهیتا به‌شمار آورده‌اند.

لوتوس در معماری ایرانی

لوتوس عنصر اصلی تزیین در معماری و هنر در دوران‌های مختلف بوده و در باورهای دینی، مذهبی و اسطوره‌ای ریشه دارد. پس با گذشت زمان و تغییر عقاید نه تنها حضورش کمرنگ‌تر نشده؛ بلکه مستحکم‌تر شده است. با توجه به تصویرها و نقش برجسته‌ها، در تخت جمشید، لوتوس زینت‌بخش تمدن هخامنشیان است و در کارهای هنری ظاهر می‌شود. هنرمندان هخامنشی انسان را به دنیایی ورای آنچه هست، به دنیایی بی‌زمان و بی‌مکان و دنیای عرفان می‌برند. «لوتوس و گل آفتابگردان را قبلاً آشوری‌ها و مادها در تزیینات قصرهایشان به کار برده بودند؛ ولی هنرمندان هخامنشی نقش نیلوفر مصری را ترجیح دادند و با افسانه‌های مربوط به آن آشنا شدند و انگیزه‌ای برای تلفیق آن‌ها با باورهای ایرانی یافتند» (سودآور، ۱۳۸۴: ۱۱۷). لوتوس در حجاری‌ها، حاشیه دیوارها و دست شاهان و بزرگان خودنمایی کرده و نماد مهم تمدن هخامنشیان است و در حکم نماد ایزدی در نگاره‌های تزیینی به کار رفته است.

«در زیر ستون‌ها به حالت زنگوله‌ای و تأثیر گرفته از

مصر با برگ‌های درخت خرما و گل لوتوس دیده می‌شود (جدول ۱). پایه ستون‌ها نیز به شکل نیلوفر برگشته وجود دارد که رمز کمال و قدرت حیات‌بخش است و در قسمت‌های مختلف تخت جمشید به کار رفته است» (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۷۵: ۲۰۳).

سرستون تخت جمشید در ایران، سرستون‌های تالار کرنگ در مصر و سرستون قصر آشوکا در پاتالی پوترا نمایانگر سرستون‌های زنگوله‌ای است که در این سه تمدن موجودند.

درباره لوتوس‌های واژگون می‌توان گفت: این پایه ستون‌ها در سه تمدن ایران، هند و مصر وجود دارد و رمز کمال و قدرت حیات‌بخش است. اصالت انسان به بنیاد و ریشه‌اش است. اگر ریشه انسان به سوی معبود و به طرف آسمان برود، در کل زندگی سعادت‌مند می‌شود. «همان‌طور که افلاطون انسان را گیاهی آسمانی می‌دانست که ریشه به سوی آسمان دارد و شاخه به جانب زمین دارد. زمین و موجودات زمینی، صورت معکوس و واژگون اصل خویش در آسمانند. پس آنچه در زمین واژگون تصویر شود، به صورت اصلی خود تصویر شده است و تصویر کردن واژگون لوتوس اشاره به اصالت آسمانی‌اش دارد» (بلخاری قهی، ۱۳۸۸: ۱۱۷). آنچه مسلم است با توجه به اینکه مصر در طی دورانی زیر سلطه شاهان ایرانی قرار داشته

جدول ۱: جدول مقایسه‌ای سرستون‌های زنگوله‌ای سه تمدن هند، ایران و مصر



و از هنرمندان مصری در معماری استفاده می‌شده است، می‌توان این‌طور استنباط کرد که ستون‌های زنگوله‌ای از مصر به ایران آمده؛ ولی هویت بومی‌اش حفظ شده است. لوتوس در آیین باستان مظهر پاکی است و شاید به همین دلیل است که یکی از نمادهای مهم تمدن هخامنشی است و در جای‌جای سنگ‌نگاره‌ها و نقش‌برجسته‌ها از آن استفاده شده است و در تمام کارهای هنری این دوره می‌شود.

«روابط میان هند و ایران در عصر هخامنشیان مستند است و ایران به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نه تنها شیوه‌های شاهنشاهی، بلکه مهارت‌ها و فواید مهمی را به دولت‌های محلی دره گنگ انتقال داده است. حتی پس از فتح اسکندر روابط دوستانه میان ایران و هند ادامه یافت. مگاستنس چهل یا پنجاه سال پس از سقوط تخت جمشید و شوش است. تالاری با هشتاد ستون در پاتالی پوترا پیداست که بر اساس آیدانا ساخته شده بود. ستون‌های سنگی بزرگشان در هند برای اول بار بود و بناها در باغی بزرگ با درختان و چشمه‌ها قرار داشت که یادآور پردیس‌های ایرانی بود، به‌ویژه این امر درخور توجه است که ستون‌های این بناهای هندی همه، تراش ایرانی را نشان می‌دهند. یکی از سرستون‌های باقیمانده دقیقاً به سبک هخامنشی حجاری شده است. نشانه‌های سرمشق‌ها و سبک‌های ایرانی در هند، در دوران پادشاهی آشوکا (۲۶۴-۲۲۷ ق.م) متنوع‌تر و فراوان‌تر است. استفاده از سرستون‌هایی به‌شکل جانوران مانند سارنات (۲۴۵ ق.م) و جام‌های نیلوفر وارونه که شکل پایه ستون‌های هخامنشی است و در آنجا به‌صورت سرستون درآمد است» (پوپ، ۱۳۹۰: ۴۵).

در زمان اشکانیان نیلوفر را در تزیینات معماری مشاهده می‌کنیم. در این دوره تزیینات تحت تأثیر هنر معماری یونان قرار گرفت. با وجود این، لوتوس باز هم به جلوه‌گری خود ادامه داد و تحت نفوذ هنر یونان در شکل و فرم آن تحول ایجاد شد. کار مهم اشکانیان در زمینه معماری دستیابی به گنبد روی گوشواره و تکوین ایوان طاقدار است که خود برگرفته از فرم طاق‌دار نیلوفر آبی است.

در هنر مانوی شیوه نقاشی پیروان مانی، دنباله هنر نقاشی ساسانی است و یکی از منابع عمده نقاشی و فن تصویر کتب خطی در هنر دوره اسلامی است. «از دیلمان جامی به‌دست آمده که یکی از شهریاران را که شاید شاپور دوم ساسانی باشد، در حال کشتن گوزنی کمیاب نشان می‌دهد. روی هر دو شانه شهریار، دو گل زندگی یا گل نیلوفر آبی به روشنی و زیبایی دیده می‌شود» (تلخیص از: عادل‌زاده و نظری، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۱۰۶). نقش گل نیلوفر در عصر اسلامی متحول شد و به‌صورت گل انار و گل شاه‌عباسی در عصر صفویه مورد استفاده هنرمندان قرار گرفت. «ورود اسلام قید و بندهایی خاص به همراه داشت؛ تحریم نقاشی و نگارگری از این جمله است. پس هنرمند به اجبار از نقوش تجریدی استفاده کرد و پس از گذشت سال‌ها از اسلیمی و ختایی و بعد گل‌های ریز و برگ‌ها و لوتوس به‌وجود آمدند» (زکی، ۱۳۶۳: ۴۱). سیر تحول لوتوس از دوره هخامنشی تا اسلامی می‌تواند یکی از راه‌های پی‌بردن به تاریخ هنر و معماری و بررسی نقش گیاهان مقدس باشد که در هر دوره و زمان هنرمندان به آن توجه کرده‌اند. لوتوس نمادی است که به‌طور پیوسته در کل هنر و اسطوره‌شناسی مشرق‌زمین در حکم سمبل همگانی مطرح شده است و در دوره اسلامی توجه خاصی به آن شده است. «در پی کوشش‌های باستان‌شناسی که توسط دیوید استروناخ در آرامگاه کوروش بزرگ انجام گرفت، آثاری از حجاری نقش گلی بر پیشانی مقبره به‌دست آمد که استروناخ آن را نمادی از اهورامزدا دانست. اما دوشن گیمن به‌درستی معتقد است که این گل نه یک گل سرخ بلکه نیلوفر آبی است و با توجه به نقش برجسته مهر در تاق بستان که ایزد را در حالی که بر روی لوتوس ایستاده است نمایان می‌سازد» (اقتباس از: خسروی، ۱۳۸۳: ۹۵). می‌توان گفت که این گل، نماد میترا و کوروش نیز پیرو آیین این خداست.

نمادهای لوتوس

با توجه به تصویر ۵، لوتوس گلی است که در نگاره‌های

تخت جمشید دیده می‌شود و شاید بتوان گفت در حکم نماد به کار رفته است. با توجه به سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید، برخی از مردان بلندپایه پارسی و ماد هنگام دیدار شاه برای شادباش مهرگان یا نوروز این گل را به دست می‌گرفتند. «لوتوس در میان ادیان مختلف نماد تولد دوباره، درستی، خوبی، زیبایی، خوشبختی و آرامش، روشنی و باروری، کامیابی، صلح جهانی و مظهر عشق و ریاضت و عبادت است. نیلوفر آبی حضوری همیشگی در میان بسیاری از ادیان قاره آسیا به خصوص ادیان کشور هندوستان دارد. در هندوئیسم و بودیسم اهمیت زیادی به این گل می‌دهند. این گل در گل‌ولای مرداب رشد می‌کند و سرانجام به نهایت زیبایی می‌رسد. این گل بیانگر مشقت و رنج آدمی در دنیا بوده و برای وصف مردمانی استفاده می‌شود که دورانی سراسر سخت را پشت سر گذاشته و به سوی آرامش در حرکت هستند. این مردمان چون گل نیلوفر از کف مرداب برآمده و در طول زندگی به موجودی مملو از حیات تبدیل می‌شوند» (<http://hosthistory.parsiblog.com>) این گل بیانگر نمادهای مختلفی است که با عقاید سایر



تصویر ۵: لوتوس در دست شاهان هخامنشی
(<http://par3e.mihanblog.com/post/category1>)

در تاریخ ۸/۹/۸۹

ملل نیز مشترک است. لوتوس مظهر روشنایی است؛ در نتیجه حاصل قدرت‌های خلاق آتش، خورشید و قمر است و در مقام محصول خورشید و آب‌ها شناخته شده است. در اساطیر ایران این گل سمبل ایزد بانوی ناهید است که در آیین‌های ایران باستان اهمیت خاصی دارد. لوتوس در ایران نماد نور است و به دلیل اینکه این گل با آب در ارتباط است، نماد آن‌اهیتاست. لوتوس با آیین مهری نیز پیوستگی نزدیک پیدا می‌کند. در صحنه زایش مهر او از درون غنچه لوتوس متولد شده است.

لوتوس در تمدن هند

لوتوس در هند، گل مقدسی است و به آسانی در تمام زندگی هندیان نفوذ کرده است. در هند، چه هندو و چه بودایی لوتوس را رمزی پرارزش می‌دانند. «لوتوس در هند مقدس بوده و سمبل جهان و ظهور تجلی، نظم و زیبایی است. به اعتقاد هندو سرنوشت انسان به سرگذشت لوتوس شبیه است. ریشه لوتوس در کف آب است و از قعر همین بی‌شکلی، گلی زیبا با کاسبرگ‌هایی منظم و متعدد در سطح آب می‌روید. اینکه فقط چند گلبرگ از لایه‌های متعدد لوتوس شکفته و مابقی گلبرگ‌ها یکدیگر را استتار کرده و در زیر گلبرگ‌های وسطی قرار دارند؛ نشانه حقیقت ادوار متعدد آینده است که همواره بخشی از حقیقت به مرحله شکوفایی می‌رسد و هستی باردار غنچه‌هایی از حقایق در مراتب گوناگون است که در مواقع مناسب شکفته خواهد شد» (ذکرگو، ۱۳۷۷: ۹۰). لوتوس نماد کسانی است که از گوهر وجود و توانایی‌های خود سود برده و بدترین شرایط رسالت انسان بودن خود را به اثبات می‌رسانند. «نیلوفر آبی در هند و مصر نماد چهار عنصر خاک، آب، آتش و باد است. چون ریشه آن در درون خاک است؛ با باد رشد می‌کند و شکوفه‌های آن به کمک خورشید باز می‌شود. این گل در هند نماد پاکی و قداست الهی و نماد راستی است. بعد از درخت زندگی، رایج‌ترین و مشهورترین نماد تجلی نیلوفر آبی است» (فرقدان و هوشیار، ۱۳۸۹: ۴۹). سر برآوردن نیلوفر آبی از آب تنها دلیل اهمیت این گل در تمثیل ظهور

برهما؛ د. بودا.

الف. ویشنو

ویشنو پروردگار گذشته، حال و آینده و آفریننده آن‌هاست. دوام حیات و اتصال اجزای هستی و پناه موجودات است. «او خدای محافظ کائنات است و در قالب هیئت مادی ظاهر شده و با قدرت‌های شیرین به مبارزه برمی‌خیزد. موجودیت جهان و هویت‌های موجود آن متکی به اوست و هم اوست که تداوم هستی را تضمین می‌کند. همان‌طور که در تصویر ۴ مشاهده می‌شود، او روی لوتوس ایستاده است. ویشنو از خدایان اصلی و نیروی اتصال اجزای عالم است. ویشنو هنگام تخیل و تفکر در باب بازپیدایی کائنات، گل لوتوسی از نافش رست و برهما از آن گل متولد شد» (اقتباس از: ذکرگو، ۱۳۷۷: ۷۰-۷۲). خلق برهما از ناف ویشنو، نشان‌دهنده اهمیت برهما و لوتوس است.



تصویر ۶: ویشنو با لوتوسی در دست (اسرار مکنون یک گل، بلخاری قهپی، ۴۲)

ب. لاکشمی

لاکشمی همسر ویشنو بوده و کهن‌ترین جلوه هنری لوتوس در او دیده می‌شود. در تندیس لاکشمی گل‌های تزیین‌شده لوتوس بر سر او مشاهده می‌شود. لاکشمی الهه ثروت است و همه او را می‌ستایند. «لاکشمی به طرز دلربایی زیباست و درحالی که دو گل نیلوفر آبی در دستانش دارد، بر روی یک نیلوفر آبی دیگر ایستاده است. او با تاجی از نیلوفر آبی زینت داده شده است. اگر او با رنگ تیره نشان داده شود، به‌عنوان همسر ویشنوست. اگر به رنگ طلایی یا زرد باشد، به‌عنوان نماد ثروت است و اگر به رنگ سفید باشد، نماد طبیعت است و اگر به رنگ صورتی باشد، مادر و خالق همه موجودات است» (swami, 1984: 24). لوتوس‌هایی که او به همراه دارد، نشانه علاقه لاکشمی به لوتوس است.

ج. برهما

در آیین هندو از برهما در مقام ایزد آفرینش یاد شده است. نام مذهب برهمایی نیز از نام وی گرفته شده که از

حیات در عالم نیست؛ بلکه گشوده‌شدن آن با نور خورشید نیز یکی از جنبه‌های مهم اهمیت نیلوفر آبی است. «از نظر هندیان، آفریدگار کل (اویکت) اولین چیزی که خلق کرد آب بود. از نظر هندو آب عامل ظهور حیات است. آب بنیادی‌ترین عامل تکوین عالم است. پس در ابتدا آب به‌وجود آمد و بعد از اجتماع آب، باد و آتش خلق شد و بعد آب به یاری آتش در فضا رفته و به کمک آتش و باد توده سختی به‌نام زمین به‌وجود آمد. به زمین (پادما) یعنی گل لوتوس هم می‌گویند. این گل هشت برگ داشت که هشت جهت عالم است. از آن پرتو انوار الهی حاصل شد و در گل شخصی پیدا شد که او را برهما خواندند» (تلخیص از: جلالی نائینی، ۱۳۸۰: ۲۰۲). برهما یکی از سه خدای پیروان مذهب برهمایی است که وی را قادر مطلق و آفریدگار جهان می‌دانند. لوتوس عمیقاً در اسطوره‌های هند، ریشه دارد و زمان ظهور آن به شروع تاریخ پیش از آریایی برمی‌گردد. با توجه به جدول ۴ خدایانی که در افسانه‌های هند با نیلوفر مرتبط هستند عبارت‌اند از: الف. ویشنو؛ ب. لاکشمی؛ ج.



تصویر ۷: لوتوس نماد ظهور و تجلی بودا
(اسرار مکنون یک گل، ص ۶۸)

وجود داشته است» (تلخیص از: شایگان، ۱۳۶۲: ۱۱۳). بودا از خانواده دور شده و به جنگل‌ها می‌رود و به مراقبه نشسته تا به روشنی برسد. زمانی که به نیروانا که آخرین مرحله طریقت بودا و مقصد سلوک بودایی است می‌رسد، از سلسله‌رنج‌ها آزاد شده و به تعلیم و تربیت مردم می‌پردازد. هیچ اثری از بودا و بودیزم نمی‌توان یافت که از حضور لوتوس تهی باشد (تصویر ۵). «در سیر تاریخ هندوئیسم دو فرقه مبدأ به ظهور رسیدند که هم اکنون نیز در آن سرزمین موجودند و پیروانی دارند. یکی مذهب جینیسم که مؤسس آن مهاویزه به معنای مرد بزرگ یا پهلوان بزرگ است و دیگری بودیزم که به رهبری گوتاما (بودا) بود» (ناس، ۱۳۷۳: ۱۶۹). تندیس مهاویزه نیز مانند بودا بوده و همراه گل نیلوفر است. بودا و مهاویزه نیز مانند بودا بوده و همراه گل نیلوفر است. بودا و مهاویزه بسیار شبیه هم هستند و تنها به واسطه برهنه‌بودن می‌توان مهاویزه را از بودا باز شناخت.

هنر بودایی

هنر نقش برجسته و پیکره‌سازی در هند دیرزمانی قبل از آنکه نفوذ هنر یونانی‌مآب به آن کشور برسد، شکوفا شده بود؛ ولی این هنر در منطقه قندهار وجود داشت که پیکره‌های بودا برای نخستین بار به صورت نقش برجسته تصویر شد. در هنر بودایی روایتگری از زندگی و تعلیم بودا مرسوم بود. قبل از آنکه تصویرگرایی روایی در هنر پیکره‌سازی و نقش‌برجسته‌های بودایی شکل بگیرد، برای تجسم و تقدیس بودا از نمادهای غیرشمایلی مانند چرخ دارما، گل نیلوفر و شیر نمادهای نیمه‌شمایلی مانند استوپا، تخت خالی و جای پا استفاده می‌شد» (جوادی، ۱۳۸۶: ۸).

حضور لوتوس در معماری هندو

لوتوس را در دو بخش از معماری هندو به کمال می‌توان دید: ۱. بخش اول: معماری تزیینات هندو؛ ۲. بخش دوم: مبحث کیهان‌شناختی هندوئیسم. درباره بخش دوم ما با

قدیمی‌ترین ادیان بشری به‌شمار می‌آید. «در کیش هندو او خدای خالق است و مانند معماری بازنشسته است که جهان را خلق کرده و تحولات آن را به ویشنو واگذار کرده است. او تنها نقش آفرینش ابتدایی موجودات را دارد؛ ولی دوام حیات و اتصال اجزای هستی که در لحظه‌به‌لحظه وجود جهان نیاز به اتکا و پناه دارد، وظیفه ویشنوست» (ذکرگو، ۱۳۷۳: ۷۳). به‌دنیای آمدن برهما از گل لوتوس و ارتباط نزدیکش با این گل بر اهمیت و قداست وی در آیین هندو افزوده است.

د. بودا

بودا به معنی روشنی‌یافته و بیدار شده است و طبق افسانه‌ها حتی قبل از به‌دنیای آمدن با لوتوس در ارتباط بوده است. «لقب بودا (مانی پادما) یعنی گوهری در نیلوفر است» (بلخاری قهی، ۱۳۸۴: ۲۹). حضور مادی لوتوس در اطراف بودا و ظهور معنوی آن در یک محیط کاملاً اوپانیسادی چنان تأثیری آفرید که بعدها در تعالیمش جلوه‌گر شد. «در خانه پدری‌اش استخرهایی پر از لوتوس با رنگ‌های متنوع

کوه عظیمی مواجهیم که محور جهان محسوب می‌شود. شکل مخروطی و طبقه‌طبقه معماری هندو با مراتب هستی و شکل مخروط‌گونه کوه مرو مشابهت کامل دارد. کوهی اسطوره‌ای که در بطن و قلب خود لوتوسی را جای داده و به صورت صریح باز نمود کامل کالبد انسانی است که در مرکز خود، دلی نیلوفری دارد. به عبارت دیگر، همچنان که کالبد نگاهدارنده و محافظ دل است، معبد نیز به پا می‌شود تا حافظ و نگهبانی برای لوتوس باشد و از همین روست که ابعاد هندسی کالبد انسان و معبد یکی است (بلخاری قهی، ۱۳۸۸: ۳۳). «در هند از این گل به صورت تجریدی در بسیاری از زیارتگاه‌ها و مساجد اسلامی استفاده شده است. در بخش اول، شاهد تزییناتی از لوتوس به حالت تجریدی در بناها هستیم؛ برای مثال الف. شمس‌های گل لوتوس حجاری شده در اطراف و بالای طاق‌ها و دروازه‌ها؛ ب. گل تغییر شکل یافته و شبیه لوتوس در گنبد تاج محل و چندین بنای دیگر اسلامی که دارای گنبد هستند؛ ج. در گنبد‌های داخلی و درونی مقبره‌ها و مساجد که به صورت نقوش تکراری لوتوس دیده می‌شود؛ د. در پنجره‌های مشبک و گلدسته‌های کوتاه بسیاری از مساجد اسلامی» (فول واهسن، ۱۳۷۶: ۱۵۹). تقدس لوتوس در بین هندوان تا جایی بوده که در معماری مکان‌های مقدس، گنبد‌ها و مساجد نیز از گل لوتوس به شکل انتزاعی آن استفاده کرده‌اند. این گل در شبه قاره هند تقدس خاصی دارد. گل لوتوس سمبول جهان است و لایه‌های متعدد‌های آن نشان‌دهنده ادوار مختلف جهانی و مقاطع و مراتب گوناگون هستی است. لوتوس به طور عمیق در اسطوره‌های هند ریشه دارد و یکی از نشانه‌های بزرگ آفرینش در اساطیر هند باستان بوده که زمان ظهور آن به شروع تاریخ پیش از آریایی برمی‌گردد.

جنبه‌های قدسی لوتوس

این گل در محیط آبی می‌روید. ریشه در لجن، و ساقه در آب دارد و هایش به سمت نور خورشید است. از نظر

مردم باستان هر چیزی که از ابتدا حالت خاصی داشته، بعداً مقدس شمرده شده است. به نظر می‌رسد طرز خاص رویش لوتوس، این گل را از نظر مردم قدیم استثنایی کرده و به آن حالتی مقدس داده است. «اسطوره‌های هر سه تمدن یا بر روی نیلوفر نشسته و یا نیلوفر در دست دارند» (بلخاری قهی، ۱۳۸۸: ۲۴). پس این گل به منشأ و مبدأ ازلی الهه‌ها نیز اشاره می‌کند.

«در اعتقاد انسان باستان، تقدس نیلوفر مساوی با ظهور و تجلی در این عالم بوده است» (بلخاری، ۱۳۸۸: ۲۶). این گل زیبا در هندوستان نشانه پاکی و روحانیتی است که همواره با عبادت و دیانت توأم بوده است.

«تصویر واژگون لوتوس در زیرستون‌هایی که بنای کیهان بر آن می‌باشد، اشاره به اصالت آسمانی‌اش داشته است» (همان، ۱۱۸). اصالت آسمانی و منشأ صدور عالم در لوتوس از مشخصاتی است که در کمتر گیاهانی دیده می‌شود و همین امر می‌تواند تقدس لوتوس را به اثبات برساند.

سیر تحول لوتوس در تمدن ایران، هند و مصر

نقش لوتوس از ابتدا به صورت نماد مذهبی برای اقوام مختلف به کار رفته و از دورترین زمان این نقش، روی اشیای هنری به کار می‌رفته است. این نقشمایه معمولاً برای اشیایی که در درجه بالایی از نظر کاربرد مذهبی یا درباری بوده‌اند، به کار می‌رفته، پس به طور مسلم معنایی اسطوره‌ای و خاص داشته و صرفاً به خاطر تفنن و زیبایی نبوده است (جدول ۲).

تأثیر لوتوس از لحاظ صوری و محتوایی در فرهنگ‌های مختلف

به نظر می‌رسد زیرستون‌های زنگوله‌ای در تخت جمشید تأثیر گرفته از مصر است. با یک بررسی تحلیلی و تاریخی می‌توان گفت: «صدها سال قبل از بنیانگذاری تخت جمشید در زیرستون‌ها و سرستون‌های مصری این نقش استفاده شده و بنا به روایت داریوش در ساختن تخت

جمشید از معماران و هنرمندان مصری استفاده شده است. تا حدود بیست سال مصر جزء سرزمین پارس بود. در این زمان استادان معمار مصر باستان ترکیبات بی نظیری از اشکال هنری را برایمان به ارث گذاشتند. کنل وادال که سرستون سرنات را در هند کشف کرده، در اینمورد جدول ۲: جدول مقایسه‌ای سیر تحول لوتوس در تمدن‌های نامبرده از نظر نمادها، آثار هنری، معماری و خدایان (نگارندگان) می‌گوید: این سرستون کاملاً تخت جمشیدی است» (تلخیص از: بلخاری قهی، ۱۳۸۸: ۱۲۳-۱۱۴). لوتوس در تمدن‌های مختلف مفاهیم و نمادهایی مشترک دارد؛ اما تفکرات اسطوره‌ای در تمدن‌ها با هم جهانی کاملاً متفاوت دارند که دیدگاه‌های مختلفی را به وجود می‌آورند و تنها

در تمدن قدیم				
				ایران
نقش برجسته لوتوس در تخت جمشید	نقش برجسته لوتوس در تخت جمشید	لوتوس واژگون در سرستون‌های تخت جمشید	لوتوس در مرداب انزلی	
				
لوتوس در گنبد تاج محل	لوتوس در «همپی لوتوس محل»	سرستون سرنات	لوتوس در هند	
				
نقش برجسته در معبد آمون	لوتوس در مصر	لوتوس در سرستون «کومومبو»	لوتوس در مصر	

تاریخی مشترک دارند.

نظامات اداری و روش‌های سیاسی هخامنشیان الگو گرفته بودند و همین مسئله اقتباس از هنر هخامنشی را ایجاب می‌کند» (اقتباس از: همان، ۱۲۵-۱۲۳).

این‌طور استنباط می‌شود که پایه ستون‌ها و سرستون‌های نیلوفری از مصر به ایران و سپس به هند رفته است؛ اما در هر تمدن هویت بومی خود را حفظ کرده است. با توجه به جدول ۳ نیز می‌توان تأثیرات هنر مصر را بر دو تمدن دیگر با توجه به تاریخ بناها مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری

لوتوس گلی است که نسبت به دیگر گل‌ها و گیاهان در محیط خاصی می‌روید و با توجه به اینکه در لجن و خاک ریشه دارد؛ ولی هایش به سمت انوار خورشید باز می‌شود، از لحاظ رویش با تولد انسان مشابهت دارد. چون هر دو همواره در پی عروج و سیر در معنویت هستند. ظهور لوتوس از مفاهیم مشترکی است که در همه تمدن‌ها جزو مبانی مشترک اعتقادی است.

لوتوس در ابتدا به‌صورت هنری آیینی به کار رفته؛ اما پس از گذشت سال‌ها تبدیل به هنری کاربردی شده است. این امر در تمدن ایران از دوره ساسانی انجام گرفته و دارای روند تحول و تکاملی در طول دوره‌های مختلف باستان به‌ویژه دوره اسلامی بوده است. از بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله، این نتایج حاصل شد:

۱. نماد لوتوس در جهان معانی عمیق هنری، فلسفی و اساطیری دارد که در هنر و اساطیر ملل و تمدن‌های باستانی چون ایران، هند و مصر شکوفا شده و در مدتی طولانی به‌صورت جزئی لاینفک در عرصه هنر این تمدن‌ها خودنمایی کرده است. البته، این نماد چه از نظر اسطوره‌شناسی و چه از نظر فرم و شکل آن در جلوه‌های هنری تشابه و تفاوت‌هایی را در تمدن‌های فوق دارد.

۲. مفاهیم مشترک لوتوس یکی از مهم‌ترین مبانی مشترک اعتقادی در تمدن‌های باستانی را که ظهور و تجلی است به‌خوبی نشان می‌دهد. در هر سه تمدن نامبرده این گل نماد تجلی است و انسان سنتی این معنا را از خلق

«به‌عقیدت ویلر، کلنل وادال و اسپونر، باستان‌شناس انگلیسی، معماری هندو- بودایی از معماری هخامنشیان تأثیر گرفته است و دلیل قوی‌تر اینکه: موریایی‌ها از نظامات اداری و روش‌های سیاسی هخامنشیان الگو گرفته بودند و همین مسئله اقتباس از هنر هخامنشی را ایجاب می‌کند» (اقتباس از: همان، ۱۲۵-۱۲۳).

این‌طور استنباط می‌شود که پایه ستون‌ها و سرستون‌های نیلوفری از مصر به ایران و سپس به هند رفته است؛ اما در هر تمدن هویت بومی خود را حفظ کرده است. با توجه به جدول ۳ نیز می‌توان تأثیرات هنر مصر را بر دو تمدن دیگر با توجه به تاریخ بناها مشاهده کرد.

تأثیر لوتوس از لحاظ صوری و محتوایی در فرهنگ‌های مختلف

به‌نظر می‌رسد زیرستون‌های زنگوله‌ای در تخت جمشید تأثیر گرفته از مصر است. با یک بررسی تحلیلی و تاریخی می‌توان گفت: «صدها سال قبل از بنیانگذاری تخت جمشید در زیرستون‌ها و سرستون‌های مصری این نقش استفاده شده و بنا به‌روایت داریوش در ساختن تخت جمشید از معماران و هنرمندان مصری استفاده شده است. تا حدود بیست سال مصر جزء سرزمین پارس بود. در این زمان استادان معمار مصر باستان ترکیبات بی‌نظیری از اشکال هنری را برایمان به ارث گذاشتند. کلنل وادال که سرستون سرنات را در هند کشف کرده، در این‌مورد می‌گوید: این سرستون کاملاً تخت جمشیدی است» (تلخیص از: بلخاری قهی، ۱۳۸۸: ۱۲۳-۱۱۴). لوتوس در تمدن‌های مختلف مفاهیم و نمادهایی مشترک دارد؛ اما تفکرات اسطوره‌ای در تمدن‌ها با هم جهانی کاملاً متفاوت دارند که دیدگاه‌های مختلفی را به‌وجود می‌آورند و تنها تاریخی مشترک دارند.

«به‌عقیدت ویلر، کلنل وادال و اسپونر، باستان‌شناس انگلیسی، معماری هندو- بودایی از معماری هخامنشیان تأثیر گرفته است و دلیل قوی‌تر اینکه: موریایی‌ها از

جدول ۳: جدول مقایسه‌ای الهه‌گان از لحاظ سمبول‌ها، شکل ظاهری و فرقه‌ها در تمدن‌های ایران، هند و مصر (نگارندگان)

کشور	خدایان و الهه‌گان	نماد و سمبول‌های مربوطه	آیین و فرقه‌های مربوطه	شکل ظاهری
ایران	مهر	خدای خورشید	میترائیسم	خدایی که از داخل گل نیلوفر زاده شده است
	آناهیتا	ایزدبانوی آب‌ها	آناهیتاپرستی	الهه عشق و باروری که همراه با گل نیلوفر زاده شد
هند	برهما	خدای آفریننده	آیین هندو	خدایی است که بر گل نیلوفری نشسته که از ناف ویشنو رویداده است
	ویشنو	خدای خورشید	آیین هندو	خدایی است که روی آب‌های آغازین خوابیده و از ناف او گل نیلوفری می‌روید. او چهار دست دارد و در یکی از دستانش گل نیلوفر دارد.
	لاکشمی	الهه ثروت الهه رستاخیزی	آیین هندو آیین ودایی	الهه‌ای است که بر گل نیلوفر آبی نشسته است و در دو دست از چهار دست خود، گل نیلوفر را حمل می‌کند.
مصر	هوروس	خدای آفتاب	آیین کهن مصر	بچه خورشید است که از درون شکوفه‌های نیلوفر آبی بیرون آمده است.
	آزیریس	خدای مرگ و نماد تولد دوباره	آیین کهن مصر	در مقابل چهار خدای هوروس که در گل نیلوفر ایستاده‌اند، نمایش داده می‌شود.
	رع	خدای خورشید	آتون پرستی	معمولاً با سر شاهین و جسم بشر و تاجی از قرص خورشید ترسیم می‌شود و گل نیلوفری در دست دارد.
	نفرتوم	خدای خالق، خوش‌شانسی و خدای عطر	آتون پرستی	او را به هیئت مردی با سر شیر و دست‌هایی از نیلوفر آبی و همچنین با عصایی نیلوفری شکل نمایش می‌دهند.

و کارکرد ویژه این گل گرفته است.

آیینی به یک هنر کاربردی نشان می‌دهد.

۳. نقش لوتوس از ابتدا به صورت نماد مذهبی برای اقوام مختلف به کار رفته است.

۵. اوج قداست و زیبایی به کارگیری آن در هنر هند و بودیزم دیده می‌شود؛ همان گونه که هنوز هم در هند این گل مقدس است و در مراسم مذهبی کاربرد دارد و از گذشته تا به حال مقام مذهبی خود را همچنان حفظ کرده است.

۴. با توجه به موارد گفته شده این نقشمایه معمولاً برای اشیایی که در درجه بالایی از نظر کاربرد مذهبی یا درباری بوده‌اند، به کار می‌رفته و به طور مسلم معنایی اسطوره‌ای و خاص داشته و صرفاً به خاطر تفنن و زیبایی به کار نمی‌رفته است. این نقشمایه مانند سایر هنرهای کاربردی و تجسمی یک روند تحول و سیر تکاملی در طول دوره‌های مختلف باستان داشته است. سیر تحول این گل، آن را از یک هنر

۶. چرخه تولد و رشد و کمال در گل لوتوس سمبل چرخه تولد و رشد و کمال انسان است که رو به مرتبه الوهی می‌گراید.

پی‌نوشتها

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده دوم با عنوان «بررسی نقشمایه گل لوتوس در هنر ایران، هند و مصر» است که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه تربیت مدرس انجام شده است.

۲. Buddhism

۳. آشوکا: (۲۷۲-۲۳۲ ق.م) امپراطور هند نوه چاندار گوپتا، مؤسس سلسله موريا (حدود ۳۲۱-۱۸۴ ق.م)، بود. در واقع، آشوکا را می‌توان بانی و مروج دین بودایی دانست؛ زیرا وی با کمال جرئت به آن فلسفه زاهدانه و متقی جنبه دنیوی و مثبت بخشید و آن را مذهبی عملی قرار داد.

۴. نیروانا: معروف‌ترین لفظ خاص آیین بودایی است که نفس ادای آن، رهایی، اشراق و تنویر گوئاما بودا را به یاد می‌آورد. نیروانا در متون کهن بودایی چون نیکایاها (Nikaya به زبان پالی) و آگاماها (Agams به زبان چینی) راهی عملی برای زدودن نگرانی و اضطراب انسان در زندگی و نیل به مشهود و رهایی است. برخی نیروانا را به صفاتی چون شعف، آرامش و لذت نیز آراسته‌اند؛ ولی واقعیت این است که لفظ نیروانایی به خودی خود نمی‌تواند دارای چنین صفتی باشد. در نیروانا نه رنج است نه خوشی. نیروانا از لحاظ لغوی به معنای خاموشی است و خاموشی بعدی مثبت یا منفی ندارد. در نیروانا خوشی یا ناخوشی، زیبایی یا زشتی و وجود یا عدم معنی ندارد؛ زیرا نیروانا نه عدم است و نه وجود. وجود و عدم هر دو جنبه‌هایی است که در ارتباط با جهان واقع معنا می‌دهد و نیروانا ورای آن‌هاست. در مقام نیروانا، حقیقت مطلق بر سالک مکشوف راه درمی‌یابد که این جهان و هر چه در آن است، هیچ‌گاه نبوده، هیچ‌وقت نیست و هیچ زمان نخواهد بود و کسی که به این مرتبه صعود می‌کند از هر بندی رهاست (برگرفته از ذکرگو، ۱۳۷۷).

۵. Jainism

۶. نماد غیرشمایی: منظور نمادهایی است که به طور انتزاعی به معبود اشاره دارند که مهم‌ترین آن‌ها در هنر بودایی عبارت‌اند از: چرخ دارما، گل نیلوفر و شیر.

۷. چرخ دارما: از سه قسمت اصلی چرخ، دسته و پایه تشکیل شده است. این نماد چرخ در معبد سوری واقع در کورناک (kornak) هند مورخ ۱۲۴۰ میلادی بوده و از جنس سنگ است.

۸. نماد نیمه‌شمایی: نمادهایی است که ظاهر شمایی (تصویر یا مثالی از ایزد که مورد نیایش قرار گیرد) ندارد؛ اما اشاره مستقیم به معبود در قالب فیزیکی و مادی دارند. نمادهای بارز نیمه‌شمایی در هنر بودایی عبارت‌اند از استوپا، تخت خالی و جای پا.

۹. استوپا: عبارت است از یک بنای منور و مرتفع برج‌مانند مخروطی‌شکل که قبه نوکداری در رأس آن قرار گرفته و هریک از این استوپاها را یکی از مؤمنان به شکرانه انجام عمل خیر یا خدمات مقدسی بنا کرده است و این جزو اعمال ثواب برای هر فرد است

که در طول عمر خود به ساختن یک استوپا موفق بشود (برگرفته از ناس، ۱۳۷۲).

منابع شکل‌ها و تصویرها

تصویر ۱: (<http://par3e.mihanblog.com/post/category1>).

تصویر ۲: (طاق بستان، یوسف مرادی، ۱۹).

تصویر ۳: (طاق بستان، یوسف مرادی، ۷).

تصویر ۴: (اسرار مکنون یک گل، بلخاری، ۴۲).

تصویر ۵: (اسرار مکنون یک گل، ۶۸).

تصویر ۷: (اسرار تمدن مصر باستان، محمدپناه، ۱۰۳).

تصویر ۸: (اسرار تمدن مصر باستان، ۱۴۰).

جدول ۳ و ۴: (نگارندگان).

منابع

- اسماعیل پور، ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، اسطوره بیان نمادین، تهران: سروش.
- بلخاری قهی، حسن، (۱۳۸۸)، اسرار مکنون یک گل، چ ۲، تهران: فرهنگستان هنر.
- _____، (مرداد و شهریور ۱۳۸۴)، «تجلی لوتوس در آیین و هنر ایران و هند»، مجله هنر کتاب ماه، ش ۸۳ و ۸۴، تهران.
- ناس، جان، (۱۳۷۲)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، چ ۵، تهران: علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتور، (۱۳۹۰)، معماری ایران، غلامحسین صدری افشار، چ ۹، تهران: دات.
- جلالی نائینی، محمدرضا، ن.ش.شوگلا، (۱۳۸۰)، مهابهارت، ج ۳، ترجمه میرغیاث‌الدین علی قزوینی مشهور به نقیب‌خان، چ ۲، تهران: طهوری.
- جوادی، شهره، (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، «نقش برجسته‌ها و مجسمه‌های هند باستان در هنر بودایی»، مجله باغ نظر، ش ۷، تهران.
- حیدری افشار، غلامحسین، حکمی، نسرين و نسترن، (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- خسروی، یداله، (آذر و دی ۱۳۸۳)، «انوشکی در ایران باستان»، مجله کتاب ماه هنر، تهران.
- دوستخواه، جلیل، (۱۳۷۶)، اوستا، چ ۲، آبان‌یشت، فرقه دوم، تهران: مروارید.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۵)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۴، تهران.
- ذکری، امیرحسین، (۱۳۷۷)، اسرار اساطیر هند (خدایان ودایی)، چ ۱، تهران: فکر روز.
- ذکاء، یحیی، (۱۳۵۱)، «جامه‌های پارسیان در دوره هخامنشیان»، مجله هنر و مردم، ش ۲۳، تهران.
- زکی، محمدحسن، (۱۳۶۳)، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: اقبال.
- ستاری، جلال، (۱۳۷۴)، اسطوره و رمز (مجموعه مقالات)، تهران: سروش.
- سرافراز، علی‌اکبر، فیروزمندی، بهمن، (۱۳۷۵)، مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی، چ ۲، تهران: مارلیک.
- سودآور، ابوالعلاء، (۱۳۸۴)، فرة ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان، چ ۱، تهران: نی.
- شایگان، داریوش، (۱۳۷۱)، بت‌های ذهنی و خاطرة ازلی، چ ۲، تهران: امیرکبیر.
- _____، (۱۳۶۲)، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- عادل‌زاده، پروانه، نظری، معصومه، (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، «بررسی جایگاه اساطیری نیلوفر آبی در ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی»، دو فصلنامه علامه، نامه پژوهشی ادبیات و عرفان، س ۱۰، پیاپی ۲۷، تهران.

- فول واهسن، اندریاس، (۷۶-۱۳۷۵)، «معماری اسلامی در هندوستان»، فصلنامه هنر، ش ۳۲، تهران.
- کزازی، میرجلال‌الدین، (۱۳۷۲)، رویا، حماسه و اسطوره، چ ۱، تهران: مرکز.
- گاردنر، هلن، (۱۳۸۹)، هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: آگاه.
- محمدپناه، بهنام، (۱۳۸۴)، اسرار تمدن مصر باستان، تهران: سبزان.
- مقدم، محمد، (۱۳۵۲)، جستار درباره ناهید و مهر، دفتر نخست، تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
- وارنر، رکس، (۱۳۷۸)، کیش و تمدن مصر، ترجمه محمد نجفی و امیر امجد، تهران: نیلا.
- وارنر، رکس، (۱۳۸۷)، دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: اسطوره.
- ویو، ژ، (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیر (از مجموعه فرهنگ جدید اساطیر لاروس)، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: بنیاد جانبازان.
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- هوشیار، مهران، فرقدان، عاطفه، (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی مفاهیم گل نیلوفر آبی در ایران، هند و مصر»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای تجسمی نقشمایه، س ۳، ش ۶، تهران.

<http://hosthistory.parsiblog.com>

<http://tarikhema.ir/ancient/iran/achaemenid>

swami Harshananda. (1982) *Hindia Gods and Goddesses published by: sri Rama Krishna Ashrama 2nd edition.*